



A Pragmatic Investigation of the Speech Act of Compliment in Contemporary Persian and Arabic Narrative Texts Based on Dell Hymes Model



Doi:10.22067/jall.2026.94679.1567

MohammadAli Ameri 

Postdoctoral Candidate in Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran

Ali Zeighami¹ 

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran

Received: 5 December 2025 | Received in Revised form: 4 April 2026 | Accepted: 20 April 2026

Abstract

Complimenting constitutes a pivotal speech act whose proficient execution is central to facilitating successful interpersonal communication. The pragmatic efficacy of this speech act extends beyond lexical selection, being fundamentally contingent upon extralinguistic variables such as cultural and pragmatic norms, situational contexts, interlocutors' socio-relational status, and communicative objectives. Adopting a descriptive-analytical framework, the present study examines the speech act of complimenting by extracting and analyzing empirical data from 16 Arabic and Persian narrative texts through the lens of Hymes' SPEAKING model. This investigation aims to elucidate the operational mechanisms of compliments in Arabic and Persian, thereby underscoring the critical role of pragmatic and cultural factors in the communicative process. The findings reveal that compliments in both languages predominate within informal contexts. Notably, a convergence of data across various cohorts of Persian interlocutors—contrasted with the marked variance observed in the Arabic data—indicates that social status and social distance exert a negligible influence on the speech act of complimenting in Persian, whereas they remain highly determinative in Arabic. Furthermore, the high frequency of praise as a primary communicative function, coupled with the subtle presence of underlying negative intentions, points to deep-seated cultural commonalities between the two speech communities. Regarding emotional posture, an admiring tone was most prevalent in Persian, whereas a joyful tone predominated in Arabic. Discourse rules in both languages favor explicit compliments, with personal character and physical appearance emerging as the most frequent thematic topics. Finally, from a morphosyntactic perspective, adjectival constructions represent the primary linguistic strategy for compliment formulation in both languages, with religious concepts extensively modulating the enactment of this speech act across both cohorts.

Keywords: Pragmatics of the Arabic Language, Speech Acts, Compliment, Narrative Texts, Dell Hymes Model.

1- Corresponding Author: zeighami@semnan.ac.ir



زبان و ادبیات عربی، دوره هفدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۲) پاییز ۱۴۰۴، صص: ۸۵-۱۱۲

بررسی کاربردشناختی کنش گفتاری تعریف و تمجید در متون داستانی معاصر فارسی و عربی براساس الگوی دل هایمز



(پژوهشی)



محمدعلی عامری ^{ID} (دانشجوی پسادکتری زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران)

علی ضیغمی ^{1 ID} (دانشیار زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، نویسنده مسئول)

Doi:10.22067/jall.2026.94679.1567

چکیده

تعریف و تمجید یکی از کنش‌های گفتاری کاربردی است که آشنایی با کاربردی آن به برقراری ارتباط موفق با دیگران خواهد انجامید. همچنین استفاده درست از این کنش علاوه بر انتخاب واژگان به عواملی خارج از زبان، نظیر مسائل کاربردشناختی و فرهنگی، موقعیت، جایگاه گویندگان، اهداف و... وابسته است. پژوهش حاضر کنش «تعریف» را برگزیده، نمونه‌های آن را از ۱۶ متن داستانی عربی و فارسی استخراج نموده و طبق الگوی هایمز و روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده است. هدف از این پژوهش آشنایی با نحوه استفاده از تعریف در زبان‌های عربی و فارسی و نشان دادن ضرورت توجه به امور کاربردشناختی و فرهنگی در فرآیند ارتباط است. نتایج این پژوهش نشان داد تعریف در دو زبان، بیشتر در موقعیت‌های غیر رسمی استفاده شده است. نزدیکی داده‌ها در انواع شرکت‌کنندگان زبان فارسی و اختلاف محسوس آن در عربی، بیانگر عدم تأثیر جایگاه و فاصله اجتماعی در زبان فارسی بر خلاف عربی است. همچنین فراوانی هدف تمجید در دو زبان و وجود اهداف منفی در پس تعریف، بیانگر شباهت فرهنگی دو زبان به یکدیگر است. لحن تحسین‌آمیز در فارسی و خوشحال در عربی بیش از سایر موارد استفاده شده است. قوانین گفتمانی تعریف در دو زبان نیز نمایانگر تمایل به صراحت در تعریف بوده است. تعریف در دو زبان بیشتر به شکل صریح کاربرد داشته، و فراوانی موضوعات شخصیت و ظاهر، بیش از سایر موضوعات در هر دو زبان بوده است. همچنین صفات، بارزترین روش زبانی تعریف در دو زبان بوده، و مفاهیم دینی نیز بر کاربردی این کنش در دو زبان مؤثر بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کاربردشناسی زبان عربی، کنش‌های گفتاری، تعریف و تمجید، متون داستانی، الگوی دل هایمز.

۱. مقدمه

کاربردشناسی^۱ شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به تحلیل کاربریست زبان در فرآیند ارتباط می‌پردازد. آموختن مهارت‌های کاربردشناسی می‌تواند ضامن برقراری ارتباطی موفق با گویشوران اصلی هر زبان باشد، و بدون شک آشنایی با الگوهای زبانی پر تکرار در جوامع مختلف به همراه توجه به بافت و موقعیت کاربری آن، نقش مهمی در این امر خواهد داشت. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی کنش‌های گفتاری به صورت کلی و کنش «تعریف و تمجید» به صورت خاص و به سبب اهمیت به‌سزایش در گفتگوهای روزانه پرداخته است؛ چرا که آگاهی از چگونگی به‌کارگیری این کنش، شناخت عوامل مؤثر بر آن و دانستن تفاوت‌ها و تشابهات کاربردی در دو زبان فارسی و عربی، می‌تواند در شکل‌گیری ارتباطی موفق راه‌گشا باشد. از این رو اهمیت این پژوهش روشن می‌گردد؛ چرا که با مقایسه این کنش در این دو زبان، زمینه شناخت ابعاد زبانی، فرهنگی و اهداف پنهان استفاده از این کنش فراهم می‌شود و به درک بهتری از کارکردش می‌انجامد.

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است که در آن ۱۶۳ مورد (۵۳ مورد عربی و ۱۱۰ مورد فارسی) از نمونه‌های این کنش گفتاری از ۱۶ متن داستانی (۸ متن عربی و ۸ متن فارسی) استخراج شده است. این متون شامل نمایش‌نامه، رمان، داستان کوتاه و داستان کودکان از نویسندگانی چون: نجیب محفوظ، توفیق الحکیم، نبیل فاروق، سناء شعلان، کامل کیلانی در بخش عربی و فتانه حاج سید جواد، محمد رضایی‌راد، محمد حسن شهسواری، اکبر رادی، سپیده خلیلی، محمود حسینی‌زاد و فرهاد جعفری در بخش فارسی می‌شود. این متون با توجه به معاصر بودن و برخورداری از گفتگوهای فراوان میان شخصیت‌های متنوع با جایگاه‌های اجتماعی گوناگون برگزیده شدند تا نشان‌دهنده تصویر روشن‌تری از فرهنگ اقشار مختلف جامعه باشد. همچنین اگر چه تعداد موارد مستخرج از متون، ناهمسان است، اما این امر به سبب عدم مقایسه کمی دو زبان با یکدیگر خدشه‌ای به نتایج به‌دست‌آمده وارد نمی‌کند؛ زیرا میزان تکرار موارد مذکور به صورت جداگانه و درون هر یک از زبان‌ها ذکر شده و در نهایت شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان بررسی شده‌اند. هدف از انتخاب متون داستانی به عنوان منبع پژوهش، اهتمام کمتر پژوهشگران به این منابع در حوزه مورد پژوهش و تأکید بر اهمیت این منابع به منظور آموزش مهارت‌های کاربردی شناختی و شناخت بهتر فرهنگ جوامع گوناگون می‌باشد. این پژوهش موارد مستخرج را از بُعد کاربردی شناختی و از طریق الگوی SPEAKING دل‌هایمز^۲ در زبان‌های فارسی و عربی بررسی کرده است، بدین صورت که ابتدا گزاره‌های حاوی تعریف را از متون استخراج کرده و براساس این الگو طبقه‌بندی نموده، سپس آن را براساس متن، مورد تحلیل قرار داده است. همچنین به انواع تعریف و تمجید، موضوعات و بارزترین روش‌های زبانی آن اشاره نموده است.

هدف پژوهش حاضر آشنایی با چگونگی استفاده از کنش گفتاری تعریف و تمجید در دو زبان عربی و فارسی و ضرورت اهتمام به مسائل کاربردی شناختی و فرهنگی در این رابطه است.

این پژوهش می‌کوشد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و زبانی متبلور در الگوی هایمز بر کاربریست کنش تعریف در دو زبان عربی و فارسی چگونه است؟

۲- وجوه تفاوت و تشابه کاربرد کنش تعریف بر اساس الگوی هایمز در دو زبان عربی و فارسی کدام است؟

۳- موضوعات و روش‌های استفاده از کنش تعریف در زبان‌های عربی و فارسی چیست؟

۱.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی با محوریت کنش تعریف و تمجید در زبان‌های عربی و فارسی به شکل مستقل یا به صورت مقایسه آن‌ها با سایر زبان‌ها مانند انگلیسی صورت گرفته است؛ اما پژوهشی به مقایسه این دو زبان با یکدیگر نپرداخته است. در میان مقالات با محوریت زبان عربی می‌توان بدین موارد اشاره نمود:

مقاله نصیر عباس غبن الزبیدی (۲۰۲۱) با عنوان «Iraqi Online Compliments on Facebook and Instagram: A Cyber Pragmatics Analysis». در این پژوهش تعریف و پاسخ به آن در میان کاربران عراقی شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و اینستاگرام بررسی شده است. از جمله مهمترین نتایج این پژوهش آن است که تعریف به طور لفظی و غیر لفظی استفاده شده است، تعریف صریح و روش پذیرش تعریف در بخش پاسخ تعریف، فراوانی بیشتری داشته‌اند. همچنین نحوه استفاده از کنش تعریف ریشه در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه عراق دارد.

مقاله گایل نلسون^۳، وquide البکری و محمود البطل (۱۹۹۳) با عنوان «complements: Egyptian and American A cross-cultural study». پژوهشگران در این مقاله به مقایسه تعریف در لهجه‌های عربی مصری و انگلیسی آمریکایی در میان دانشجویان مصری و آمریکایی پرداختند. از جمله مهمترین نتایج این پژوهش آن است که هر دو گروه از صفات، به منظور تعریف بهره جستند و تعریف صریح بیش از ضمنی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین ظاهر، از جمله موضوعات رایج در تعاریف بود. آمریکایی‌ها بیشتر مهارت و مصری‌ها بیشتر شخصیت را مورد تعریف قرار دادند. در میان مقالات با محوریت زبان فارسی می‌توان بدین موارد اشاره کرد:

مقاله مریم شفق و مهدی محمدبیگی (۱۴۰۱ هـ.ش) با عنوان «کنش گفتاری تعریف و تمجید در محیط‌های فرهنگی کلامی روسی و فارسی». پژوهشگران در این مقاله با بررسی کنش گفتاری تعریف و تمجید در دو زبان فارسی و روسی از طریق روش کتابخانه‌ای، مصاحبه با اهل سخن و مطالعه میدانی به این نتیجه رسیدند که در روسیه مبالغه بسیار در تعریف را تملق دانسته و آن را ناپسند می‌شمارند. همچنین می‌توان پاره‌ای از فرمول‌های تعریف را طبقه‌بندی کرد؛ اما این طبقه‌بندی تمامی صورت‌های آن، به ویژه در فرهنگ ایرانی را دربرنمی‌گیرد؛ چرا که تنوع بالایی در موقعیت‌های گوناگون دارد.

مقاله سید محمد رضا هاشمی، آذر حسینی فاطمی و صبا دوائی (۱۳۹۰ هـ.ش) با عنوان «مقایسه مرزبندی‌های فرهنگی - اجتماعی «تعریف و تمجید» در زبان انگلیسی و فارسی». این پژوهش به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تعریف و تمجید در دو زبان انگلیسی و فارسی از طریق مشاهده میدانی و با تأکید بر مرزبندی‌های فرهنگی پرداخته است. از جمله نتایج این تحقیق آن است که با درج مقایسه‌های فرهنگی در متون درسی، می‌توان با آموزش زبان‌آموزان از بروز خلل در ایجاد ارتباط بین افراد دو زبان جلوگیری کرد. همچنین فرهنگ اسلامی و زبان عربی در فرم تعریف در زبان فارسی مؤثر است و آن را از زبان انگلیسی متمایز می‌کند.

همچنین در میان پژوهش‌های کاربردشناختی با محوریت الگوی هایمز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

مقاله محمد علی عامری و علی ضیغمی (۱۴۰۴ هـ.ش) با عنوان «بررسی کنش گفتاری سرزنش در زبان‌های فارسی و عربی در متون داستانی براساس الگوی هایمز» در این پژوهش نمونه‌هایی از کنش سرزنش از داستان‌های فارسی و عربی استخراج شده است و براساس الگوی هایمز تحلیل شده‌اند. از جمله یافته‌های این پژوهش آن است که سرزنش در دو زبان بیشتر در موقعیت‌های غیر رسمی استفاده می‌شود و لحن سرزنش در عربی شدیدتر از فارسی است. همچنین

روش‌های زبانی در دو زبان می‌تواند نشانه اطمینان‌گوینده از درستی سرزنشش باشد.

مقاله زینب شیخ‌حسینی و مریم جعفرزاده (۱۴۰۲ هـ.ش) با عنوان «زباهنگ ناسزا در رمان نوجوان بر اساس رویکرد هایمز (مطالعه موردی مجموعهٔ آبنبات)» این پژوهش با هدف طبقه‌بندی محتوایی ناسزاها و تحلیل انگیزهٔ استفاده از آن‌ها به بیان کارکردهای ناسزا طبق الگوی هایمز پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کارکرد طنز در این داستان بیشتر شامل طنز، خشم، سرزنش و تحقیر است و بیان می‌کند نویسنده از ناسزا فقط برای طنزآمیز کردن متن استفاده نکرده است.

آنچه پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌ها در این حوزه متمایز می‌کند؛ مقایسه کنش‌گفتاری «تعریف و تمجید» در زبان‌های عربی و فارسی براساس الگوی هایمز از طریق استخراج داده‌ها از متون داستانی عربی و فارسی است که نمونه‌ای قابل اطمینان و مناسب از هر دو زبان است. همچنین در این پژوهش علاوه بر الگوی هایمز، موضوعات تعریف و روش‌های زبانی آن نیز مورد بررسی قرار گرفته تا زمینه را برای شناخت دقیق‌تر شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی دو زبان و آموزش مسائل کاربردشناختی فراهم سازد.

۲. الگوی دل هایمز

این الگو یکی از الگوهای متداول در زمینه تحلیل گفتمان و کاربردشناسی به ویژه کاربردشناسی اجتماعی است که در سایهٔ اصطلاح توانش ارتباطی^۴ شکل گرفت. هایمز انسان‌شناس آمریکایی و متخصص در زبان‌شناسی اجتماعی، این اصطلاح را در برابر اصطلاح توانش زبانی^۵ چامسکی^۶ مطرح نمود (بیکر و ایلچ، ۲۰۱۸: ۱۶۷). هایمز اعتقاد داشت که اهتمام به کاربرست زبان در میان افراد جامعه امری مهم است و نمی‌توان آن را در چارچوب قواعد دستوری - مانند آن چه چامسکی اعتقاد داشت - منحصر کرد. همچنین باید زبان را در سایهٔ جامعه و با توجه به موقعیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داد (آقا گل زاده، ۱۳۹۴: ۴۰). در این رابطه هایمز الگویی را به نام SPEAKING در ۸ بخش پیشنهاد داد که هریک از حروف آن، بیانگر آغاز نام یکی از بخش‌هاست. این تقسیم‌بندی شامل موارد زیر است که محورهای آن از دو منبع پیش‌رو استخراج شده‌اند (Hymes, 1967: 21-25؛ پیش قدم و عطاران، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۱):

۲.۱. موقعیت^۷

این بخش عبارت است از شرح موقعیت زمانی و مکانی گفتگو که می‌توان آن را به دو بخش تقسیم نمود:
(الف) عمومی/رسمی. (ب) خصوصی/غیررسمی (پیش قدم و عطاران، ۱۳۹۲: ۳۱).

۲.۲. شرکت‌کنندگان^۸

مقصود از این بخش، شرکت‌کنندگان در گفتگو و رابطه موجود میان آن‌هاست. به دیگر سخن این بخش فاصله و منزلت اجتماعی میان شرکت‌کنندگان را بررسی می‌کند. «فاصله اجتماعی به معنای نزدیکی اجتماعی بین گوینده و شنونده است، و منزلت اجتماعی بیانگر جایگاه اجتماعی گوینده در مقایسه با جایگاه شنونده است، مانند مدیر و کارمند» (القحطانی، ۲۰۱۸: ۷۰). این بخش به موارد زیر تقسیم می‌شود:

برابر و رسمی: دو همکار

برابر و صمیمی: دو دوست

نا برابر و رسمی: کارمند و مدیر

نا برابر و صمیمی: استاد و دانشجو

۲.۳. هدف^۹

این بخش عبارت از هدف گوینده از به کارگیری کنش تعریف است.

۲.۴. ترتیب گفتمان^{۱۰}

مقصود از آن، ترتیب استفاده از عبارات در گفتگو است. «ترتیب گفتمان دربرگیرنده اطلاعاتی در مورد ترتیب اعمال شرکت کنندگان است؛ این بدان معنا است که ترتیب گفتمان اقداماتی از سوی گوینده است که زمینه را برای اقدامی از سوی شنونده فراهم می‌سازد» (پیش قدم و عطاران، ۱۳۹۲: ۳۲). بنابراین امکان دارد که گوینده پرسشی را بیان کند و شنونده پاسخ دهد و یا پرسشی مطرح نماید و گوینده علاوه بر پاسخ درخواستی از او کند و....

۲.۵. لحن^{۱۱}

لحن با توجه به موقعیت گفتمان و بافت کلام به کار گرفته می‌شود؛ و ممکن است که خشمگین، خوشحال و... باشد. به عقیده هایمز این مؤلفه برای تشخیص لحن و روشی معرفی می‌شود که یک عمل در آن انجام می‌گیرد. زیرا اعمالی که از نظر موقعیت، شرکت کنندگان، قالب پیام و محتوا یکسان هستند، ممکن است از نظر لحن متفاوت باشند (Hymes, 1967: 24). شایان ذکر است که تغییر لحن می‌تواند هدف کاربرد عبارات و واژگان را تغییر دهد؛ به عنوان مثال استفاده از لحن تمسخرآمیز در زمان به کارگیری واژه «ممنون» به تغییر هدف، از تشکر به تمسخر می‌انجامد.

۲.۶. ابزار^{۱۲}

عبارت است از قالب‌های بیان سخن که به صورت نوشتاری یا گفتاری استفاده می‌شود (پیش قدم و عطاران، ۱۳۹۲: ۳۳).

۲.۷. قوانین گفتمان^{۱۳}

قوانین گفتمان در واقع، قوانینی اجتماعی است که گوینده در حین کاربرد کنش‌های گفتاری بدان اهتمام می‌ورزد. کاپلند^{۱۴} و یاورسکی^{۱۵} معتقدند که این قوانین شامل: «سازماندهی نوبت‌گیری و هنجارهای تفسیر، یعنی روش‌های متعارف استنتاج» می‌گردد (Jaworski & Coupland, 2006: 22). همچنین این قوانین در جوامع گوناگون متفاوت است؛ به عنوان مثال هنگامی که فردی دیگران را به صرف شام دعوت می‌کند، احتمال دارد از روش‌های مختلفی استفاده نماید از جمله: روش پرسشی مانند جامعه انگلیسی‌زبان، یا جمله خبری مانند جامعه آلمانی‌زبان، یا درخواست مؤدبانه مانند جامعه ایرانی (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۳). بنابراین دستیابی به این قوانین زمینه لازم جهت آگاهی از ویژگی‌های

فرهنگی جوامع گوناگون، و در نتیجه موفقیت در ارتباط با افراد را فراهم می‌کند.

۲.۸. نوع گفتمان^{۱۶}

منظور از نوع گفتمان چارچوبی است که گفتمان در آن استفاده می‌شود و ممکن است که گفتگو یا شعر یا ضرب المثل و... باشد (Jaworski & Coupland, 2006: 22).

۳. تعریف و تمجید

از نظر اصطلاحی، تعاریف متعددی برای این کنش گفتاری وجود دارد؛ از جمله تعریف هولمز^{۱۷} که معتقد است تعریف و تمجید «کنشی گفتاری است که به طور صریح یا ضمنی به شخص دیگری غیر از گوینده به سبب یک ویژگی خوب (نگرش، شخصیت، مهارت و...) اعتبار می‌دهد، و گوینده و شنونده این ویژگی‌ها را به طور مثبت ارزیابی می‌کنند» (Holmes, 1988: 446). بنابراین تعریف و تمجید به ارزش‌های مثبت در جامعه، و همچنین احساس گوینده نسبت به مخاطب یا امری که دارای ویژگی‌های مثبت است، تعلق دارد. لذا تعریف و تمجید زیر مجموعه کنش‌های گفتاری بیانی و در کنار تبریک و عذرخواهی و... قرار می‌گیرد (Al-Zubaidi, 2021: 5). در تأیید این سخن می‌توان کنش گفتاری مذکور را در تقسیم‌بندی سرل^{۱۸} زیر مجموعه کنش عاطفی قرار داد؛ زیرا این بخش شامل کنش‌هایی است که گوینده احساسات خویش را در قالب آن بیان می‌کند (طالبی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

۳.۱. انواع تعریف و تمجید

این کنش گفتاری به تعریف صریح^{۱۹} و تعریف ضمنی^{۲۰} تقسیم می‌شود. تعریف صریح عبارت از به‌کارگیری واژه‌های دال بر تعریف به شکل مستقیم است که شامل صفات و افعال مثبت می‌شود. مانند (سخنرانی‌ات عالی بود). اما تعریف ضمنی به این صورت نیست، بلکه تعریفی است که براساس یک پیش‌انگاری^{۲۱} رخ می‌دهد، و به صورت ضمنی و براساس اصول گرایس^{۲۲} بدان اشاره می‌شود. مانند (امیدوارم که مانند تو کارهایم را انجام بدهم) (Boyle, 2000: 28).

۴. بررسی تعریف طبق الگوی هایمز در زبان‌های فارسی و عربی

در این بخش کنش تعریف را بر اساس محورهای هایمز بررسی می‌کنیم:

۴.۱. موقعیت

جدول ۱: فراوانی انواع موقعیت

عربی			فارسی		
درصد	تکرار	موقعیت	درصد	تکرار	موقعیت
۸۶,۷۹	۴۶	غیر رسمی	۸۹,۰۹	۹۸	غیر رسمی
۱۳,۲۱	۷	رسمی	۱۰,۹۱	۱۲	رسمی
۱۰۰	۵۳	مجموع	۱۰۰	۱۱۰	مجموع

طبق جدول ۱ کنش تعریف در دو زبان، بیشتر در موقعیت غیر رسمی به کار رفته است. این امر می‌تواند بیانگر دشواری استفاده از این کنش در موقعیت‌های رسمی با توجه به تبعات آن و برداشت مخاطب باشد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که تعریف در موقعیت رسمی موجب قضاوت نادرست مخاطب در رابطه با هدف گوینده از تعریف گردد و به عنوان مثال تعریف را چاپلوسی تعبیر کند، به همین سبب گوینده با در نظر گرفتن قضاوت احتمالی شنونده می‌کوشد تا از تعریف، بیشتر در موقعیت غیر رسمی استفاده کند. همچنین این مسأله می‌تواند نتیجه جمع‌گرایی فرهنگ ایرانی و عربی باشد که براساس آن دیگران بر فرد اولویت دارند و از اهمیت بیشتری برخوردارند. شایان ذکر است که در پژوهش‌های علی و دیگران (۱۹۹۷)، سن مارتین و دیگران (۲۰۱۸) و پیش‌قدم و عطاران (۱۳۹۲) به مسأله جمع‌گرایی جوامع شرقی اشاره شده است.

نمونه‌ای از موقعیت غیررسمی در دو زبان بدین شرح است:

(در خانه) پدر در جواب دخترش می‌گوید: کار خوبی کردی (جعفری، ۱۴۰۱: ۱۲).

(در خانه) منیر از سخن راغب تعریف کرده و می‌گوید: کلام طیب [سخن خوبی است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۱۲۸).

در مثال‌های مذکور افراد در موقعیت غیر رسمی و با داشتن رابطه نزدیک با یکدیگر بدون ترس از واکنش مخاطب از تعریف استفاده کرده‌اند.

۴.۲. شرکت‌کنندگان

جدول ۲: فراوانی انواع شرکت‌کنندگان

فارسی			عربی		
شرکت‌کنندگان	تکرار	درصد	شرکت‌کنندگان	تکرار	درصد
نابرابر و رسمی	۴۱	۳۷,۲۷	برابر و صمیمی	۲۸	۵۲,۸۳
برابر و صمیمی	۳۸	۳۴,۵۵	نابرابر و رسمی	۱۹	۳۵,۸۵
نابرابر و صمیمی	۳۱	۲۸,۱۸	نابرابر و صمیمی	۶	۱۱,۳۲
مجموع	۱۱۰	۱۰۰	مجموع	۵۳	۱۰۰

براساس جدول ۲ شرکت‌کنندگان به ۳ بخش تقسیم می‌شوند که در هر دو زبان مشترک هستند، با این تفاوت که در متون فارسی، افراد در حالت نابرابر و رسمی، کنش تعریف را بیشتر به کار برده‌اند. همچنین نزدیک بودن فراوانی شرکت‌کنندگان سه گروه به یکدیگر می‌تواند بیانگر عدم تأثیر جایگاه و فاصله اجتماعی باشد. به دیگر سخن استفاده از تعریف و تمجید محدود به جایگاه اجتماعی خاص یا شکل خاصی از روابط نیست و در حالات گوناگون رایج است. این در حالی است که در زبان عربی میزان استفاده از این کنش میان افراد با فاصله و جایگاه اجتماعی برابر و صمیمی بیشتر بوده است. همچنین اختلاف محسوس میان سه گروه نشان‌دهنده تأثیر فاصله و جایگاه اجتماعی در استفاده از این کنش است. به عبارت دیگر نوع جایگاه اجتماعی افراد و روابط ایشان با یکدیگر بر میزان استفاده از تعریف مؤثر می‌باشد. مثال هر یک از گروه‌های شرکت‌کننده به شرح زیر است:

نابرابر و رسمی

مادر به معلم: ... اگه اونم بود نمی‌تونست این معجزه‌ای رو که تو نشون ما دادی انجام بده (شهسواری، ۱۳۹۷: ۷۵).
پادشاه به آشپز: هذا أشهى طعام أكلته طول عمري [این خوشمزه‌ترین غذایی است که در طول عمرم خوردم] (کیلانی، ۲۰۱۲: ب: ۱۷).

در نمونه‌های مذکور گوینده و فرد مورد تعریف قرار گرفته از نظر منزلت و فاصله اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند. در نمونه فارسی معلم خصوصی جان دانش‌آموز را نجات می‌دهد و مادر دانش‌آموز که منزلت اجتماعی بالاتری از معلم خصوصی دارد با اشاره به عدم حضور پرستار از معلم تعریف می‌کند و با اشاره به معجزه بودن عمل او در صدد تشکر و تحسین او برمی‌آید. در نمونه عربی نیز پادشاه که جایگاه بالاتری از مخاطب دارد با تعریف از غذا به صورت غیر مستقیم از آشپز تعریف می‌کند.

برابر و صمیمی

شهراد به دوستش: کارت تو رستوران خوب بود (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۵۸).
فردی به دوستش: فكرة طيبة [ایده خوبی است] (محفوظ، بی‌تا: ۱).

نابرابر و صمیمی

پدر: دیروز کیف داد؟

دختر: آره خیلی باحال بود (جعفری، ۱۴۰۱: ۱۷).

قاضی به دوستش که نانواست: کانت (الإوزة) لذيذة الطعم [غذاها خوشمزه بودند] (الحکیم، ۱۹۷۲: ۱۲).
در این حالت علی رغم تفاوت جایگاه اجتماعی روابط صمیمانه‌ای میان دو طرف وجود دارد از این رو تعامل رسمی میان افراد حاکم نیست و به آسانی کنش تعریف استفاده می‌شود. از جمله در نمونه عربی که قاضی با داشتن جایگاه اجتماعی بالاتر صمیمانه با نانوا سخن می‌گوید.

۴.۳. هدف

اهداف متنوعی می‌تواند در پس کنش تعریف وجود داشته باشد؛ اما همچنان در میان ۱۲ هدف بدست آمده در متون فارسی و ۹ هدف در متون عربی، اصلی‌ترین هدف در دو زبان طبق جدول ۳، تمجید است که نمایانگر شباهت فرهنگی دو زبان است. ۵ هدف، مشابه (تمجید، رسیدن به خواسته، ابراز رضایت، دفاع و تشکر) و سایر اهداف متفاوتند، همچنین در هر دو زبان این کنش با اهداف منفی نیز به کار رفته است؛ مانند: کنایه، تحقیر و تهدید در زبان فارسی و تمسخر در زبان عربی؛ که این امر می‌تواند نشانه نقش پررنگ بافت کلام و موقعیت، هنگام تعریف باشد؛ چرا که اهداف منفی تناسبی با کارکرد اصلی تعریف ندارند و کاربرد تعریف با اهداف منفی در گرو شناخت مسائل فرهنگی و هنجارهای حاکم بر جوامع است. شرح نمونه‌های اهداف بدست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان فارسی بدین قرار است:

جدول ۳: فراوانی انواع هدف

فارسی			عربی		
هدف	تکرار	درصد	هدف	تکرار	درصد
تمجید	۴۵	۴۰,۹۱	تمجید	۲۱	۳۹,۶۲
تحسین	۲۷	۲۴,۵۵	موافقت و تأیید	۹	۱۶,۹۸
رسیدن به خواسته	۸	۷,۲۷	ابراز رضایت	۸	۱۵,۰۹
ابراز رضایت	۶	۵,۴۵	دفاع	۵	۹,۴۳
دفاع	۵	۴,۵۵	رسیدن به خواسته	۵	۹,۴۳
مخالفت	۵	۴,۵۵	تمسخر	۲	۳,۷۷
تشکر	۴	۳,۶۴	اطمینان دادن	۱	۱,۸۹
حسرت	۳	۲,۷۳	تشکر	۱	۱,۸۹
کنایه	۳	۲,۷۳	اشاره به نقص	۱	۱,۸۹
هشدار	۲	۱,۸۲			
تحقیر	۱	۰,۹۱			
تهدید	۱	۰,۹۱			
مجموع	۱۱۰	۱۰۰	مجموع	۵۳	۱۰۰

تمجید

دختر به پدر: چه قدر خوشگل شدی (حسینی‌زاد، ۱۳۹۵: ۸).

تحسین

پدر دانش‌آموز به مربی تئاتر مدرسه: خانم کارتون خیلی عالی بود (رضایی‌راد، ۱۴۰۲: ۸۷).

رسیدن به خواسته

ساغر به فرمانده بسیج: وقتی آدم نیروهای بسیج رو می‌بینی دلش قرص میشه (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۲۳).
در این حالت این احتمال وجود دارد که گوینده بدون اعتقاد قلبی به امری، لب به تعریف بگشاید تا به هدف خود برسد مانند مثال مذکور که ساغر تلاش می‌کند با تعریف از نیروهای بسیج خود را از اتهام میرا کند.

ابراز رضایت

چه دختر مقبولی دارید خانم. ماشاالله هزار ماشاالله (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۳۳).

دفاع

دایه: ...دکان را سپرده دست این یک الف بچه. مثلاً شاگرد گرفته.
مادر سودابه: پسر با نمکی است (همان، ۲۲).
در این حالت گوینده با تعریف از ویژگی‌های مثبت موضوع مورد بحث، به دفاع از آن می‌پردازد.

مخالفت

شهراد: شما اصلاً نگران نباشید. اخیراً من و منیژه از این شوخی‌ها راه انداخته‌ایم...
 پدر منیژه: چی می‌گی پسرا! گیریم با تو شوخی داره، دختر من این قدر بی عقل نیست با من پیرمرد از این شوخی‌ها
 کنه (شهسواری، ۱۳۹۷: ۳۹).
 گاهی گوینده با تعریف از فرد یا موضوعی می‌کوشد تا با نظر مخاطب مخالفت کند. بنابراین با نفی صفت منفی مد
 نظر مخاطب سعی بر اثبات نظر خود دارد.

تشکر

تو ده ساله باب الحوائج مایی (رادی، ۱۴۰۲: ۳۵).
 در این نمونه هدف از تعریف تشکر است و در این راستا گوینده از مفاهیم دینی نظیر باب الحوائج بهره می‌برد تا با
 نسبت دادن این لقب به شنونده با توجه به جایگاه آن در فرهنگ شیعه و کاربست آن در رفع حاجات افراد، بر تأثیر کلام
 خود بر مخاطب بیافزاید.

حسرت

یادش بخیر ژیلت چه اعتماد به نفسی بهت می‌داد (جعفری، ۱۴۰۱: ۸).

کنایه

مادر شوهر به عروس: ببین چه دختر کدبانویی است (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۲۶۱).
 یکی از اهداف تعریف، کنایه‌زدن به دیگری است که تشخیص این امر کاملاً وابسته به بافت کلام و موقعیت است.
 مانند مثال مذکور که مادر شوهر در ظاهر از عروس خود تعریف می‌کند، ولی در اصل قصد کنایه‌زدن به او را دارد.

هشدار

... اما مراقب باش عزیزم. تو هم زیبایی هم خانم. هم عاقل و هم کدبانو (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

تهدید

ناصر: دختره بد جور خوشگله مگه نه؟
 شهراد: خفه شو کثافت (همان، ۲۰۷).
 تهدید نیز از جمله اهداف استفاده از تعریف است؛ بدین شکل که گوینده با وجود استفاده از تعریف، در صدد تهدید
 دیگری است؛ مانند این مثال که در آن ناصر، در ظاهر از زیبایی ساغر تعریف می‌کند، اما موقعیت، بیانگر سوء نیت
 اوست؛ از همین رو شهراد واکنش تندی به او نشان می‌دهد.

تحقیر

کاش همه دلال‌ها دک و پز تو رو داشتن (حسینی‌زاد، ۱۳۹۵: ۹).
 گاهی در پس تعریف، تحقیری نهفته است مانند مثال بالا که سمیرا در عین تعریف از مالک با نسبت دادن جایگاه
 اجتماعی پست، در صدد تحقیر اوست.
 شرح نمونه‌های اهداف بدست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان عربی بدین قرار است:

تمجید

شقة لطيفة كل شيء فيها تمام [آپارتمان زیبایی است و همه چیز در آن خوب است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۳۶).

موافقت و تأیید

إنك مثال المروءة والشهامة وكمال الخلق وليس أسعد لنفسي من تحقيق ما طلبت [تو نمونه جوانمردی و شهامت و اخلاق نیکو هستی و مایه خوشبختی من است که درخواستت را محقق کنم] (کیلانی، ۲۰۱۲، الف: ۱۷).

ابراز رضایت

يعني أنا أستاذ؟ كلام حلوا! [یعنی من استادم؟ سخن خوبی است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۴۳).

دفاع

إنه بطل [او قهرمان است] (شعلان، ۲۰۱۹: ۲۳۵).

رسیدن به خواسته

فينوس! فينوس! أيتها الإلهة ذات العرش المصنوع من الذهب..... اسمعي ندائي! [ونوس ای الهه صاحب تخت طلائی، ندایم را بشنو] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۳۸).

تمسخر

شوشو در پاسخ به پیشنهاد غیر منطقی بسبس او را مسخره می‌کند:
بسبس: نکتم أنفاسه ونخلص منه.. [نفسش را می‌بریم و از دستش خلاص می‌شویم]
شوشو: یا سلام علی أفکارك! [به به چه فکر خوبی کردی] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۱۲۰)

اطمینان دادن

لا يا عم شعبان... أنت الخير والبركة [نه عمو شعبان تو خیر و برکت هستی] (همان، ۱۳).

تشکر

الدكتور يحيى: الوقت مرّ بسرعة. [زمان به سرعت گذشت]

شوشو: دا من لطفك [لطف دارید] (همان، ۷۱).

اشاره به نقص

هؤلاء البشر يا فينوس يمتازون عتًا [ای ونوس این انسان‌ها از ما متمایز هستند] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۳۵ و ۳۶).

۴.۴. ترتیب گفتمان

در یک گفتگو زمانی از کنش تعریف استفاده می‌شود که گوینده تمایل دارد میزان رضایت یا علاقه خود را نسبت به موضوعی بیان کند که حسب موقعیت، سیاق کلام، عرف جامعه و... متفاوت است. به عنوان مثال می‌توان به نمونه زیر در زبان فارسی اشاره کرد که در موقعیت خواستگاری چگونه تعریف با تعارف درآمیخته و گوینده در تلاش است تا با استفاده از این کنش، ارتباطی موفق با شنونده برقرار کند.

مادر: باقلوا میل بفرماید محبوب جان خودش پخته.

خواهر خواستگار: به به چه باقلوایی! توی دهان بگذاری آب می‌شود.

زن برادر خواستگار: معلوم است که از هر پنجه محبوبه خانم هنر می‌بارد. هم خوشگل هستند و هم هنرمند. نزهت خواهر محبوبه: معلوم است خانم بزرگ خوش سلیقه هستند، عروس‌ها را دست چین می‌کنند (حاج سید جوادى، ۱۳۷۵: ۳۵).

در این مثال، مادر با تعارف باقلوا و اشاره به پختن آن توسط دخترش، سعی در معرفی او به عنوان دختری کدبانو دارد و خواهر داماد با تعریف از باقلوا به صورت ضمنی از هنر دختر تعریف می‌کند. همچنین عروس خانواده خواستگار نیز برای آن که در برابر تعریف‌ها از عروس جدید، متهم به حسادت نشود، لب به تعریف از او می‌گشاید و خواهر دختر نیز تعریف عروس را با تعریف از خانم بزرگ پاسخ می‌دهد، تا علاوه بر تعریف از عروس، از وی نیز تعریف کرده و احترامش را به جا بیاورد.

در زبان عربی نیز می‌توان به حالات مختلفی در استفاده از کنش تعریف اشاره کرد؛ مانند استفاده گوینده از تعریف جهت رسیدن به هدف خود. مانند مثال زیر که موضوع گفتگو، جایگاه شرکت‌کنندگان و... در استفاده از عبارات تأثیرگذار است. در این بخش از داستان یکی از سارقان مورد اصابت گلوله قرار گرفته و بقیه با دکتر یحیی که انسانی درست‌کار است، بر سر چگونگی ارتباط با پزشک صحبت می‌کنند:

منیر: کمل جمیلک یا دکتور!... [دکتر کار خوبت را کامل کن]

شوشو: ودي كانت فكرتك .. تنقذ حياة بسبس المسكين... شفت حالته خطرة... وأنت كلك إنسانية [دوست داشتم ایده‌ات زندگی بسبس بیچاره را نجات دهد تو وضعیت خطرناکش را دیدی و کل وجود تو سرشار از انسانیت است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۸۴).

در این مثال منیر و شوشو (دو تن از سارقان) از دکتر یحیی می‌خواهند که حقیقت زخمی‌شدن را افشا نکند و داستان ساختگی آنان را به پزشک بگوید و منیر از او می‌خواهد که کار خیرش را کامل کند؛ در حالی که شوشو متوسل به تحریک احساسات دکتر یحیی می‌شود و با شرح حال وخیم بسبس و سپس تعریف از او با عبارت (وجود شما سرشار از انسانیت است) سعی در اقناع او برای نجات جان همکارش دارد. همچنین در جمله مذکور، تعریف با تأکیدی همراه شده تا بر مخاطب تأثیرگذارتر باشد. بنابراین بخش ترتیب گفتمان با اشاره به نحوه شکل‌گیری تعریف، به روشنی نقش مهم متون ادبی به عنوان ابزاری زبانی جهت شناخت سایر فرهنگ‌ها و کمک به فرآیند آموزش مسائل کاربردشناختی را بیان می‌کند.

شایان ذکر است که یادگیری و شناخت نتیجه تعاملات اجتماعی و فرهنگی‌اند که از طرق مختلف از جمله ابزارهای فرهنگی نظیر زبان تحقق می‌یابد (قادری و یاری اصطهباناتی، ۱۴۰۳: ۳۹).

۴.۵. لحن

از متون فارسی ۱۱ و از متون عربی ۶ لحن استخراج شد که طبق جدول ۴، ۴ لحن (خوشحال، متعجب، جدی و حسرت‌بار) در دو زبان مشترکند و لحن‌های تحسین‌آمیز در زبان فارسی و خوشحال در زبان عربی بیش از سایر موارد،

مورد استفاده قرار گرفته‌اند، که می‌تواند بیانگر تلاش گوینده جهت ایجاد حس همدلی با مخاطب در هنگام تعریف باشد و این امر با مفهوم جمع‌گرایی جوامع شرقی تناسب دارد. همچنین نوع لحن متأثر از حالت گوینده و ارکان گفتگو به ویژه هدف است. بررسی داده‌های بدست آمده، حاکی از تنوع فراوان لحن در زبان فارسی نسبت به زبان عربی است که با توجه به اهداف متنوع استفاده از کنش تعریف، امری طبیعی است. همچنین این امر نشانگر ضرورت توجه به سیاق کلام و اهداف گویندگان در دو زبان، به‌ویژه زبان فارسی است.

جدول ۴: فراوانی انواع لحن

فارسی			عربی		
لحن	تکرار	درصد	لحن	تکرار	درصد
تحسین‌آمیز	۳۶	۳۲,۷۳	خوشحال	۲۳	۴۳,۴۰
خوشحال	۲۱	۱۹,۰۹	متعجب	۱۳	۲۴,۵۳
متعجب	۱۶	۱۴,۵۵	جدی	۷	۱۳,۲۱
مهربان	۱۱	۱۰,۰۰	ملتمسانه	۵	۹,۴۳
جدی	۸	۷,۲۷	حسرت‌بار	۳	۵,۶۶
حسرت‌بار	۶	۵,۴۵	تمسخرآمیز	۲	۳,۷۷
کنایه‌آمیز	۴	۳,۶۴			
ناراحت	۳	۲,۷۳			
هیجان زده	۳	۲,۷۳			
خشمگین	۱	۰,۹۱			
مضطرب	۱	۰,۹۱			
مجموع	۱۱۰	۱۰۰	مجموع	۵۳	۱۰۰

شرح نمونه لحن‌های بدست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان فارسی بدین قرار است:

تحسین‌آمیز

آقا رحیم، ماشاءالله شما همه چیزتان خوبست. سلیقه تان هم خوبست. چه زن نازنینی گرفته اید. (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

نقش لحن و ارتباط آن با سایر ارکان گفتگو به خوبی در این مثال قابل مشاهده است؛ زیرا اگر این عبارات بدون آگاهی از موقعیت و هدف گوینده و با لحن کنایه‌آمیز استفاده شود مقصود کلام را کاملاً دگرگون می‌سازد.

خوشحال

بده مأمور نیروی انتظامی پیرمرد خوشتیپی مثل من باشه؟ (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

متعجب

حرف نداشت عالی بود (خلیلی، ۱۳۸۱: ۳۸).

مهربان

ساغر، بابا جان! با اون صدای جادویی سهیلا یه چیزی بخون (شهسواری، ۱۳۹۷: ۶۹).

جدی

پدرم اهل فضل و ادب بود (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۶۰).

حسرت‌بار

هنوز زیباست (رضایی‌راد، ۱۴۰۰: ۲۱).

کنایه‌آمیز

کسی که نماز شب می‌خونه، مگه ممکنه کار بدی کنه؟ (رادی، ۱۴۰۲: ۱۹).

ناراحت

مرد با سواد و تحصیل کرده‌ای بود (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۱۷).

هیجان‌زده

یه آنتیک فروشی بسیار بی‌نظیره (رضایی‌راد، ۱۴۰۰: ۱۲).

خشمگین

پدر تو شب‌ها تا یکی دو ساعت مطالعه نکند خوابش نمی‌برد (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۱).
در مواردی تعریف ممکن است با لحن خشمگین استفاده شود بدون آن که کنایه‌آمیز باشد؛ مانند این نمونه که مادر از گزینه ازدواج مورد علاقه دخترش راضی نیست و تفاوت فرهنگی خانواده خود با گزینه دختر را با ابراز عصبانیت از او و تعریف از پدر همراه می‌سازد.

مضطرب

میرلوحی: به خرج شما چریده، حالا باید دنبه بده دیگه... (بعد از نگاه ریزآبادی گفت): البته خب هوشش رو هم داره (حسینی‌زاد، ۱۳۹۵: ۱۴).

لحن‌های بدست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان عربی به شرح زیر است:

خوشحال

منی لبخند زد و گفت: .. یا لك من داهیه!! [چقدر باهوشی] (فاروق، ۱۹۸۴: ۶۰).

متعجب

أكاد لا أصدّق أنّ هذا العمل يخرج من بين أصابع فانية! [باورم نمی‌شود که این کار توسط یک فانی انجام شده است] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۳۵).

جدی

دا کلام معقول [این سخن معقولی است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۸۲).

ملتمسانه

فینوس! فینوس! ... أيها السخية بالهبات! امنحيني هبة واحدة [ونوس ای بخشنده نعمات! نعمتی به من ببخش] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۴۰).

حسرت بار

نعم ... جميلة هي أرضنا ... [بله زمین ما واقعا زیباست] (الحکیم، ۱۹۷۲: ۱۰۸).
تمسخرآمیز

بسرعة؟! ... يا سلام على أوامرك! ... [سریع؟ به به چه دستوراتی!] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۱۱۰).

۴.۶. ابزار

ابزار به کار رفته در متون مورد بررسی، گفتار بوده است.

۴.۷. قوانین گفتمان

جدول ۵: فراوانی انواع قوانین گفتمان

فارسی			عربی		
قوانین گفتمان	تکرار	درصد	قوانین گفتمان	تکرار	درصد
ویژگی های مثبت	۵۹	۵۳,۶۴	ویژگی های مثبت	۱۸	۳۳,۹۶
تأیید	۹	۸,۱۸	پشتیبانی	۹	۱۶,۹۸
مقدمه کلام	۹	۸,۱۸	تعجب	۸	۱۵,۰۹
پاسخ پرسش	۶	۵,۴۵	مقایسه	۷	۱۳,۲۱
تعجب	۵	۴,۵۵	تعریف در جواب تعریف	۵	۹,۴۳
در جواب شکایت	۴	۳,۶۴	رسیدن به خواسته	۴	۷,۵۵
دلیل آوردن	۴	۳,۶۴	نفی صفت منفی	۲	۳,۷۷
مقایسه	۴	۳,۶۴			
تعریف در جواب تعریف	۳	۲,۷۳			
قطع مکالمه	۳	۲,۷۳			
اثبات ادعا	۲	۱,۸۲			
انتساب به مکان	۲	۱,۸۲			
مجموع	۱۱۰	۱۰۰	مجموع	۵۳	۱۰۰

براساس داده‌های جدول ۵، ۱۲ قانون از متون فارسی و ۷ قانون از متون عربی بدست آمد؛ ویژگی‌های مثبت پرکاربردترین قانون گفتمانی دو زبان در استفاده از کنش تعریف است که تمایل به صراحت در تعریف را در دو زبان بیان می‌کند. ۴ قانون گفتمانی (ویژگی‌های مثبت، تعجب، مقایسه و تعریف در جواب تعریف) نیز در دو زبان مشترکند. همچنین موارد مستخرج از دو زبان نشان‌دهنده کاربست تعریف در جهت حفظ وجهه مخاطب و گفتگو در فضایی به دور از تنش، همراه با ایجاد همدلی می‌باشد. تنوع این قوانین در دو زبان نیز بیانگر ضرورت توجه به مسائل فرهنگی و کاربردشناختی است؛ زیرا اطلاع از این هنجارها و قوانین، به برقراری ارتباطی موفق و اجتناب از شکست کاربردشناختی خواهد انجامید.

قوانین بدست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان فارسی به شرح زیر است:

ویژگی‌های مثبت

انگ قهوه خوردن است (جعفری، ۱۴۰۱: ۱۱).

تأیید

شهراد: حاج آقا حق دارن. ملکشونه و نگران هستن خدای نکرده گناهی توش انجام بشه.

سیدولی: معلومه شما سر سفره پدر و مادر بزرگ شدی جوون. (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

در این مثال سید ولی با شنیدن کلام شهراد و اطلاع از توجه او به مسائل دینی، با نسبت دادن خاستگاه کلام او به تربیت صحیحش، اقدام به تعریف می‌کند. این مسأله بیانگر نقش باورهای دینی در جامعه ایرانی و نقش پررنگ خانواده در رابطه با شکل‌گیری آن است.

مقدمه کلام

ساغرا! تو دختر عاقلی هستی. عاقل‌تر از اونی که بخوای این فرصت کم رو به زخم زبون زدن بگذرونی (همان، ۲۳۷).

می‌توان از تعریف به عنوان مقدمه‌ای برای آماده‌کردن مخاطب جهت بیان درخواست، تهدید، هشدار و... استفاده کرد تا پذیرش مسأله مورد بحث آسان‌تر صورت گیرد و وجهه مخاطب تهدید نشود.

پاسخ پرسش

سمیرا: نه، گمون کنم لطف سرکار حالی به حالیش کرده. حالا چطور شد آدم حسابش کردی؟

ریزآبادی: از پسرانم برام عزیزتره. عصای دسته (حسینی‌زاد، ۱۳۹۵: ۳۳).

تعجب

الحق که جونوری هستی شهراد شاهانی! (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

در جواب شکایت

حسین خطاب به پدرش (موسی): بعله، اینم از اون حرفاس! عاقبت به خیر! حالا شما می‌گی عاقبت به خیر... کی؟...

موسی: تو خودتو شهید ما کردی حسین؛ تو مالک دنیا و آخرت شدی (رادی، ۱۴۰۲: ۳۴).

گاهی می‌توان از تعریف در جواب شکایت بهره برد تا مخاطب را دعوت به آرامش کرد و شرایط منجر به شکایت را توجیه نمود. در مثال مذکور تعریف با ارجاعات مذهبی درآمیخته و استفاده از مفهوم شهادت در کنار هم‌نام بودن فرزندان با امام حسین (ع) بر تأثیر کلام پدر می‌افزاید. این امر نیز نشان‌دهنده تأثیر باورهای دینی پدر خانواده در کلام او است.

دلیل آوردن

پدر خطاب به معلمی که جان دخترش را نجات داد: این قدر سقوط نکرده‌ام که به بهترین دختر دنیا توهین کنم. تو چراغ این خونه رو روشن کردی ساغر جان... (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

امکان دارد که تعریف به عنوان دلیلی برای انجام یا عدم انجام کاری به کار برود؛ مانند این مثال که گوینده با تعریف از مخاطب به دنبال آوردن دلیل جهت تبرئه خویش است.

مقایسه

این ویلا از قبلی بهتره. با صفاست (حسینی‌زاد، ۱۳۹۵: ۳۳).

تعریف در جواب تعریف

پاسخ مادر دختر، در جواب تعریف مادر خواستگار از دخترش:

چشمتان قشنگ است خانم. سایتان کم نشود (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۳۷).

یکی از کاربردهای دیگر تعریف، استفاده از آن در برابر تعریفی دیگر است که تأثیر بیشتری از تشکر بر مخاطب می‌گذارد و از مصادیق ادب مثبت است که صمیمیت را افزایش می‌دهد.

قطع مکالمه

بابا شما که می‌دونید شهراد چه مخیه (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۳).

می‌توان از تعریف در قطع مکالمه دیگران سود برد که این امر با اهداف متعددی مانند رسیدن به خواسته، دفاع از دیگری، تحسین و... همراه است. مانند مثال که بیژن با قطع کلام پدرش به دنبال دفاع از شهراد است.

اثبات ادعا

حتما كاملا قانونی به راه پیدا می‌کنه که از پنجره بیاد وسط زندگیت اونم این سروان جبرانی که لنگه نداره (همان، ۲۲۰).

انتساب به مکان

همسرش شبیه خانم‌های زیبا و متشخص روسیه است (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۲۰).

گاهی ممکن است که گوینده با استفاده از مکانی خاص که در عرف جامعه ارزشمند است، درصدد تعریف از دیگری باشد.

قوانین بدست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان عربی به شرح زیر است:

ویژگی‌های مثبت

نحن أيضاً نتطع إلى كوكبكم الجميل... [ما هم منتظر دیدن سیاره زیبایتان هستیم] (الحکیم، ۱۹۷۲: ۱۰۸).

پشتیبانی

أنا قلبي مطمئن له... لأثَّه رجل طيّب وإنسان... [من به او اطمینان دارم چون مرد خوب و انسانی است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۱۲۱).

تعجب

يا لك من رجل! [عجب آدمی هستی] (فاروق، ۱۹۸۴: ۴۲).

مقایسه

ما أظنَّ أنَّ في الدنيا كلَّها أجمل من هذا الأمير... [گمان نمی‌کنم که در تمام دنیا زیباتر از این شاهزاده وجود داشته باشد] (کیلانی، ۲۰۱۲، ب: ۱۰).

تعریف در جواب تعریف

شوشو: دا من لطفک! [لطف دارید]

یحیی: دا من حدیثک المفید [این به دلیل سخن مفیدتان است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۷۱).

رسیدن به خواسته

فینوس؟ فینوس؟ أيتها الجميلة الأميرة على عرش الجمال! ابسمي لي من شفتيك الإلهيتين! [ونوس ای زیبای فرمان-دهنده بر تخت زیبایی! با لبان الهیت بر من لبخند زن] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۳۹).

نفی صفت منفی

لكن أنت في الواقع على العكس ... شكلك أقرب إلى الوسامة والوجاهة والتهذيب ... [اما تو بالعکس، شیک و موجه و مودب هستی] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۳۰).

۴.۸. نوع گفتمان

برکاربردترین نوع گفتمان در دو زبان قالب گفتگو است؛ با این تفاوت که در متون عربی تنها قالب گفتگو به کار رفته است؛ در حالی که در متون فارسی علاوه بر گفتگو (۷۵،۴۵ درصد)، روایت (۲۴،۵۵ درصد) نیز استفاده شده است؛ که عبارت از تعریف راوی از فرد یا موضوعی به صورت سوم شخص است. شایان ذکر است که این امر ارتباطی مستقیم با نوع داستان و شیوه روایت نویسنده دارد.

۵. انواع کنش تعریف

براساس جدول ۶، از میان انواع کنش تعریف، نوع صریح در هر دو زبان بیش از ضمنی استفاده شده است. این امر را می‌توان نشانه علاقه دو گروه به ذکر مستقیم کلمات دال بر تعریف دانست.

جدول ۶: فراوانی انواع تعریف

عربی			فارسی		
درصد	تکرار	انواع تعریف	درصد	تکرار	انواع تعریف
۸۶,۷۹	۴۶	صریح	۹۱,۸۲	۱۰۱	صریح
۱۳,۲۱	۷	ضمنی	۸,۱۸	۹	ضمنی
۱۰۰	۵۳	مجموع	۱۰۰	۱۱۰	مجموع

شرح انواع کنش تعریف در دو زبان به شرح زیر است:

صریح

دخترتان خیلی مقبول است. چشمانش سگ دارد (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۳۷).

هبة الله: إذا كان جبار القصر كما وصفت، فكيف أترك فتاة كريمة مثلك تتعرض لقسوته وبطشه؟ [اگر زورگوی کاخ همان طور باشد که توصیف کردی چطور می‌توانم دختری گرامی چون تو را در برابر ظلم و ستمش رها کنم] (کیلانی، ۲۰۱۲، الف: ۱۰). بنابراین در تعریف صریح، گوینده به صورت مستقیم کلمات دال بر تعریف را به کار می‌برد، تا بی‌پرده مقصود خود به مخاطب را ابراز کند. در نمونه فارسی که مربوط به موقعیت خواستگاری است خانواده خواستگار تلاش دارد تا با تعریف صریح از دختر و تأکید بر آن با افزودن تعریف دوم، به مخاطب بگوید که ما او را پسندیده‌ایم و شکی در این موضوع نداشته باشید. در مثال عربی هم تعریف صریح نشانه علاقه هبة الله به دختر و ابراز این امر با هدف رساندن این پیام به اوست. البته پی بردن به این تعریف نیز علی رغم صراحت آن، نیازمند آشنایی با فرهنگ جامعه مقصد است. مانند اشاره به سگ داشتن چشمان در مثال فارسی.

ضمنی

بنازم قلم نقاش طبیعت را (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۴۵).

الوقت مرّ بسرعة [وقت سریع گذشت] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۷۱). تعریف ضمنی می‌تواند دارای اهداف متعددی باشد از جمله پوشیده سخن گفتن یا تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و می‌تواند نشان‌دهنده ارزش‌های حاکم بر جامعه یا فرد نیز باشد مانند مثال‌های مذکور؛ که در مثال نخست نسبت دادن سبب زیبایی مخاطب به خداوند و استفاده از آرایه‌های ادبی، بیانگر اعتقادات گوینده و آشنایی وی با ادبیات است، یا در مثال دوم اشاره به سپری شدن سریع وقت به عنوان تعریف، حاکی از ارزش مخاطب برای گوینده و گذراندن اوقاتی لذت‌بخش است. همچنین از آنجا که گوینده در تعریف ضمنی به ذکر نشانه‌های دال بر تعریف در کلام خود بسنده می‌کند، تشخیص آن از تعریف صریح دشوارتر و نیازمند آشنایی بیشتر با فرهنگ زبان است.

۶. موضوعات کنش تعریف

جدول ۷: فراوانی انواع موضوع تعریف

عربی			فارسی		
درصد	تکرار	موضوع تعریف	درصد	تکرار	موضوع تعریف
۳۷,۷۴	۲۰	شخصیت	۳۱,۸۲	۳۵	شخصیت
۳۵,۸۵	۱۹	ظاهر	۳۱,۸۲	۳۵	ظاهر
۱۶,۹۸	۹	کلام	۲۸,۱۸	۳۱	عملکرد
۵,۶۶	۳	ایده	۴,۵۵	۵	صدا
۳,۷۷	۲	رویداد	۲,۷۳	۳	کلام
			۰,۹۱	۱	ایده
۱۰۰	۵۳	مجموع	۱۰۰	۱۱۰	مجموع

شخصیت و ظاهر طبق جدول ۷، بیش از سایر موضوعات مورد توجه گویندگان در هر دو زبان بوده است. این امر نشانهٔ اهتمام به دو بعد سطحی و عمیق مخاطب است؛ چرا که پرداختن به شخصیت، نیازمند شناخت دقیق‌تر و برقراری ارتباط بین ظاهر، رفتار و سایر عناصر تشکیل دهندهٔ شخصیت است تا منجر به برداشت گوینده و تعریف از شخصیت شود. همچنین تعریف از شخصیت بیانگر ثبوت ویژگی‌های مثبت در مخاطب است که در وجود وی نهاده شده و از این رو می‌تواند نزد شنونده تأثیرگذارتر از سایر موارد باشد. همچنین ۴ موضوع (شخصیت، ظاهر، کلام و ایده) در دو زبان مشترکند.

موضوعات به دست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان فارسی به شرح زیر است:

شخصیت

میدونم شما جوونا شیر پاک خوردین ... (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

ظاهر

به به چه دندان‌هایی مثل مروارید هستند (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴).

عملکرد

خانم خسته شدید... چایی بیارم؟ خیلی کار قشنگی بود. (رضایی‌راد، ۱۴۰۲: ۸۷).

صدا

... به خصوص صدایم که به نظرش محکم و مسحورکننده بود (شهسواری، ۱۳۹۷: ۷۵).

کلام

ایول آبجی (همان، ۱۲۳).

ایده

دانش‌آموز به معلم: ایده‌های آقای کاتب درخشانه (رضایی‌راد، ۱۴۰۲: ۲۹).
موضوعات به دست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان عربی به شرح زیر است:

شخصیت

دارجل فاضل... [این مرد با فضیلتی است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۱۲۶).

ظاهر

ما أجدرنی أن أرفع هذه الأقداح الملوكية الفاخرة إلى سدة مليکنا المعظم! [بسیار مایه شایستگی من است که این جام-
های شاهانه فاخر را به پیشگاه پادشاه معظممان ببرم] (کیلانی، ۲۰۱۲، ب: ۱۴).

کلام

کلام معقول و مسبوک! [سخن معقول و به جایی است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۸۴).

ایده

فكرة حلو [ایده خوبی است] (همان، ۹۸).

رویداد

یا سلام! حظنا من السماء! [به به شانس از آسمان به ما روی آورده] (همان، ۱۱۶).

۷. روش‌های زبانی کنش تعریف

جدول ۸: فراوانی انواع روش زبانی

عربی			فارسی		
درصد	تکرار	روش زبانی	درصد	تکرار	روش زبانی
۵۰,۹۴	۲۷	صفت	۶۱,۸۲	۶۸	صفت
۱۳,۲۱	۷	تأکید	۱۷,۲۷	۱۹	آرایه ادبی
۱۱,۳۲	۶	ندا	۵,۴۵	۶	تعجب
۹,۴۳	۵	تفضیل	۴,۵۵	۵	شرط
۷,۵۵	۴	آرایه ادبی	۳,۶۴	۴	ندا
۵,۶۶	۳	تعجب	۲,۷۳	۳	پرسش
۱,۸۹	۱	پرسش	۱,۸۲	۲	دعا
			۱,۸۲	۲	کلمات تحسین‌آمیز
			۰,۹۱	۱	نفرین
۱۰۰	۵۳	مجموع	۱۰۰	۱۱۰	مجموع

براساس جدول ۸، ۹ روش در زبان فارسی و ۷ روش در زبان عربی به دست آمد که صفات، دارای فراوانی بیشتری نسبت به سایر روش‌ها در دو زبان است، و این امر با فراوان بودن نوع صریح تعریف در هر دو زبان نیز تناسب دارد؛ زیرا استفاده از صفات با تمرکز مستقیم بر ویژگی‌ها، آشکارا و مستقیم به بیان تعریف می‌پردازد، این امر می‌تواند بیانگر شباهت فرهنگی دو زبان با یکدیگر باشد. همچنین ۵ مورد میان دو زبان مشترکند (صفت، آرایه ادبی، تعجب، ندا و پرسش). شایان ذکر است که در هر دو زبان کلماتی با خاستگاه دینی مانند ماشالله، بارک الله و... در فارسی و الله در عربی، جهت تعریف، کاربرد دارد که نشانه تأثیر این امر بر جامعه است. همچنین استفاده از آرایه‌های ادبی مانند: تشبیه، کنایه، استعاره و... پس از صفات، از فراوانی بیشتری نسبت به سایر موارد در متون فارسی برخوردار است؛ که نشان‌دهنده ضرورت اطلاع از مقوله فرهنگ جامعه ایرانی در ارتباط با آن است.

روش‌های به دست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان فارسی به شرح زیر است:

صفت

میرزا حسن خان مرد محترمی بود (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۱۹).

آرایه ادبی

علاوه بر مفاهیم مرسوم، گاهی اوقات مفاهیمی منفی در زبان فارسی، جهت تعریف از دیگری استفاده می‌شود که وابسته به شرکت‌کنندگان و همچنین موقعیت و بافت کلام است.

جونور دانشجوی ریاضی دانشگاه شریف بوده (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۹).

تعجب

چه دامن قشنگی پوشیده‌ای! (رادی، ۱۴۰۲: ۲۴).

شرط

... اگه اونم بود نمی‌تونست این معجزه‌ای رو که تو نشون ما دادی انجام بده (شهسواری، ۱۳۹۷: ۷۵).

ندا

اما ساغر جونم! خواهرم! ای تنها دلیل من برای زنده موندن! هیچ فکر کرده‌ای به عاقبتش؟ (همان، ۱۵۳).

پرسش

خط به این خوشی را از کجا یاد گرفته‌ای؟ (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵: ۷۱).

دعا

ماشالله پیر بشوی دخترم. (همان، ۳۳).

کلمات تحسین‌آمیز

بارک الله خواهرم ... آها ... همین (شهسواری، ۱۳۹۷: ۱۹۵).

نفرین

نفرین نیز از روش‌هایی است که می‌توان از آن برای تعریف استفاده کرد؛ مانند مثال زیر که گوینده با لعنت کردن

پیراهن، قصد تعریف از آن را دارد.

لعتنی از آن پیراهن‌هایی هست که وقتی تنت می‌کنی، بهت تکلیف می‌کند زود باش بجنب یک کاری بکن (جعفری، ۱۴۰۱: ۸).

روش‌های به‌دست آمده براساس فراوانی بیشتر در زبان عربی به شرح زیر است:

صفت

على فكرة الثلاجة هنا ماركة نرج ... ممتازة والمطبخ آخر استعداد! [راستی یخچال مارک نرج و عالی هست و آشپزخانه کاملاً آماده است] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۴۲).

تأکید

أنت كللك إنسانية [وجودت سرشار از انسانیت است] (همان، ۸۴).

ندا

يا سلام على أفكارك! [به به چه فکر خوبی کردی] (همان، ۱۲۰).

تفضیل (برتری دادن)

بل ما ترین أجمل كثيراً من امرأة! [بلکه آنچه می‌بینی بسیار زیباتر از یک زن است] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۳۴).

آرایه ادبی

أنسیتن أنه زهرة بريّة من أزهار المروج [آیا فراموش کرده‌اید که او یکی از گل‌های وحشی دشت است] (همان، ۲۵).

تعجب

الله على كم بيضة مقلية بالزبدة والبسطرمة [خدایا چقدر نیمروی کره‌ای و پاسترامی] (الحکیم، ۱۹۶۶: ۴۲).

پرسش

ما هذا الشذا الطيب؟ [این بوی خوب چیست] (الحکیم، ۱۹۴۲: ۲۸).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر کنش گفتاری تعریف و تمجید را در زبان‌های فارسی و عربی طبق محورهای الگوی هایمز و از طریق متون داستانی مورد بررسی قرار داد. همچنین علاوه بر موارد مذکور به مطالعه انواع تعریف، موضوعات و روش‌های آن پرداخت. از جمله نتایج به‌دست آمده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

این پژوهش در پاسخ به سؤال نخست (تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و زبانی متبلور در الگوی هایمز بر کاربست کنش تعریف در دو زبان عربی و فارسی چگونه است؟) دریافت که میان محورهای الگوی هایمز که خود بیانگر عوامل فرهنگی، اجتماعی و زبانی گوناگون است، و انواع، موضوعات و روش تعریف هماهنگی و رابطه وجود دارد؛ به‌طوری که هر یک از محورها بر عملکرد دیگری تأثیر مستقیم داشته و تعیین‌کننده چگونگی ابراز تعریف است. از این رو موقعیت، جایگاه و فاصله اجتماعی شرکت‌کنندگان، هدف گوینده، هنجارها و قوانین گفتمانی حاکم بر جامعه و... بر

شیوه ابراز تعریف یعنی صریح یا ضمنی بودن آن یا لحن و روش زبانی آن و...، تأثیر گذار است. به عنوان مثال اگر گوینده در موقعیت غیر رسمی، قصد تعریف صریح از مخاطبی برابر و صمیمی داشته باشد، ملزومات آن که اشاره مستقیم به صفات مورد نظر و استفاده از لحن مثبت است نیز باید در نظر گرفته شود.

این پژوهش در پاسخ به سؤال دوم (وجوه تفاوت و تشابه کاربرد کنش تعریف بر اساس الگوی هایمز در دو زبان عربی و فارسی کدام است؟) دریافت که وجوه تفاوت و تشابه گوناگونی در کاربرست کنش تعریف وجود دارد که در هر یک از محورهای الگوی هایمز قابل بررسی است از جمله:

از حیث موقعیت کنش تعریف در دو زبان، بیشتر در موقعیت غیر رسمی استفاده می‌شود. این امر می‌تواند بیانگر دشواری استفاده از این کنش در موقعیت‌های رسمی با توجه به برداشت مخاطب باشد. همچنین این مسأله می‌تواند نتیجه جمع‌گرایی فرهنگ ایرانی و عربی باشد که براساس آن دیگران بر فرد اولویت دارند. انواع شرکت‌کنندگان در هر دو زبان مشترک هستند، با این تفاوت که در متون عربی میزان استفاده از این کنش میان افراد با فاصله و جایگاه اجتماعی برابر و صمیمی بیشتر بوده است، در حالی که در متون فارسی، افراد در حالت نابرابر و رسمی، بیشتر کنش تعریف را به کار برده‌اند، بنابراین با توجه به نزدیکی داده‌ها در زبان فارسی و اختلاف محسوس آن در عربی، می‌توان نتیجه گرفت که در زبان فارسی جایگاه و فاصله اجتماعی تأثیر چندانی ندارند، در حالی که در زبان عربی فاصله و جایگاه اجتماعی در استفاده از این کنش تأثیرگذار است.

پژوهش حاضر دریافت که اصلی‌ترین هدف در دو زبان، تمجید است. همچنین در هر دو زبان، این کنش با اهداف منفی مانند: کنایه، تحقیر و تهدید در زبان فارسی و تمسخر در زبان عربی نیز به کار رفته است، که این مسائل می‌تواند نشانه شباهت دو فرهنگ و نقش پررنگ بافت کلام و موقعیت در کاربرست تعریف باشد. بخش ترتیب گفتمان نیز با اشاره به نحوه شکل‌گیری تعریف، به روشنی نقش مهم متون ادبی به عنوان ابزاری زبانی جهت شناخت سایر فرهنگ‌ها و کمک به فرآیند آموزش مسائل کاربرشناختی را بیان می‌کند. در رابطه با لحن کلام نیز لحن تحسین‌آمیز در زبان فارسی و لحن خوشحال در زبان عربی بیش از سایر موارد استفاده شده‌اند، که می‌تواند بیانگر ایجاد حس همدلی میان گوینده و مخاطب باشد. همچنین نوع لحن متأثر از حالت گوینده و ارکان گفتگو به ویژه هدف است. در بخش قوانین گفتمان، ویژگی‌های مثبت، پرکاربردترین قانون گفتمانی است که تمایل به صراحت در تعریف را در دو زبان بیان می‌کند. همچنین قوانین مستخرج از دو زبان نشان‌دهنده کاربرست تعریف در جهت حفظ وجه مخاطب و گفتگو در فضایی به دور از تنش، همراه با ایجاد همدلی می‌باشد. تنوع این قوانین در دو زبان نیز بیانگر ضرورت توجه به مسائل فرهنگی و کاربرشناختی است.

پرکاربردترین نوع گفتمان در دو زبان قالب گفتگو است با این تفاوت که در متون فارسی علاوه بر گفتگو، روایت هم به عنوان نوع گفتمان به کار رفته است، که این امر، ارتباطی مستقیم با نوع داستان و شیوه روایت نویسنده دارد. از میان انواع کنش تعریف، نوع صریح در هر دو زبان بیش از ضمنی استفاده شده است. این امر می‌تواند نشانه علاقه دو گروه به ذکر مستقیم کلمات دال بر تعریف باشد.

همچنین پژوهش حاضر در پاسخ به سؤال سوم (موضوعات و روش‌های استفاده از کنش تعریف در زبان‌های عربی و فارسی چیست؟) اقدام به بررسی موضوعات و روش‌های تعریف، با هدف بررسی دقیق‌تر این کنش نمود که در الگوی هایمز ذکر نشده بود. در رابطه با موضوعات باید اشاره کرد که شخصیت و ظاهر، بیش از سایر موضوعات مورد

توجه گویندگان در هر دو زبان بوده است. این امر نشانهٔ اهتمام به دو بعد سطحی و عمیق مخاطب است؛ چرا که پرداختن به شخصیت، نیازمند شناخت دقیق‌تر و برقراری ارتباط بین ظاهر، رفتار و سایر عناصر تشکیل دهندهٔ شخصیت است تا منجر به برداشت گوینده و تعریف از شخصیت شود. همچنین در میان روش‌های زبانی، صفات، فراوانی بیشتری نسبت به سایر روش‌ها در دو زبان دارد که با فراوان بودن نوع صریح تعریف در هر دو زبان نیز تناسب دارد؛ زیرا استفاده از صفات با تمرکز مستقیم بر ویژگی‌ها، آشکارا به بیان تعریف می‌پردازد، این امر می‌تواند بیانگر شباهت فرهنگی دو زبان با یکدیگر باشد. در هر دو زبان، کلمات و مفاهیمی با خاستگاه دینی، جهت تعریف کاربرد دارد؛ که نشانهٔ تأثیر مسائل دینی بر جامعه است. همچنین آرایه‌های ادبی پس از صفات، از فراوانی بیشتری نسبت به سایر موارد در متون فارسی برخوردار است؛ که نشان‌دهندهٔ ضرورت اطلاع از مقولهٔ فرهنگ جامعهٔ ایرانی در ارتباط با آن است.

لازم به ذکر است که این پژوهش ادعا نمی‌کند تمامی حالات تعریف و تمجید را در دو زبان بررسی نموده است؛ چرا که این مسأله نیازمند پژوهش بیشتر و جمع‌آوری داده‌های فراوان از منابع گوناگون است، تا تصویر روشنی از چگونگی کاربست این کنش گفتاری در دو زبان به دست آید. امید است که این پژوهش بتواند در تسهیل فرایند آموختن مهارت‌های کاربردشناختی و تأکید بر ضرورت اهتمام به مسائل فرهنگی در آموزش زبان مؤثر باشد.

تقدیر و تشکر

این مقاله از طرح پسادکتری دانشگاه سمنان با شماره قرارداد ۲۱۲۶۹ استخراج گردیده است.

پی‌نوشت

1. Pragmatics
2. Dell Hymes
3. Nelson
4. Communicative Competence
5. Linguistic Competence
6. Chomsky
7. Setting
8. Participants
9. Ends
10. Act sequence
11. Key
12. Instrumentalities
13. Norms
14. Coupland
15. Jaworski
16. Genre
17. Holmes
18. Searle
19. Explicit Compliment
20. Implicit Compliment

21. Presupposition

22. Grice

کتابنامه

۱. آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی*. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. بیکر، بول. ایلچ، سیونیل. (۲۰۱۸). *المصطلحات المفاتيح في تحليل الخطاب*. ترجمة ناصر بن عبدالله بن غالي. الرياض: دار جامعة الملك سعود للنشر.
۳. پیش قدم، رضا. عطاران، آتنا. (۱۳۹۲). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی». *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*. ۴۶(۴). صص ۵۰-۲۵.
۴. جعفری، فرهاد. (۱۴۰۱). *کافه بیان*. چاپ چهارم. تهران: چشمه.
۵. حاج سید جواد، فتنه. (۱۳۷۵). *بامداد خمار*. چاپ هفتم. تهران: البرز.
۶. حسینی‌زاد، محمود. (۱۳۹۵). *بیست زخم کاری*. تهران: چشمه.
۷. الحکیم، توفیق. (۱۹۴۲). *بجماليون*. مصر: مكتبة مصر.
۸. الحکیم، توفیق. (۱۹۶۶). *الورطة*. مصر: مكتبة مصر.
۹. الحکیم، توفیق. (۱۹۷۲). *مجلس العدل*. مصر: مكتبة مصر.
۱۰. خلیلی، سپیده. (۱۳۸۱). *گم شده*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۱. رادی، اکبر. (۱۴۰۲). *تانگوی تخم مرغ داغ*. چاپ ششم. تهران: قطره.
۱۲. رضایی‌راد، محمد. (۱۴۰۰). *گزارش خواب*. چاپ سوم. تهران: بیدگل.
۱۳. رضایی‌راد، محمد. (۱۴۰۲). *فعل*. چاپ سوم. تهران: بیدگل.
۱۴. شعلان، سناء. (۲۰۱۹). *سیلفی مع البحر ومسرحيات أخرى*. الأردن: أمواج للنشر والتوزيع.
۱۵. شفق، مریم. محمد بیگی، مهدی. (۱۴۰۱). «کنش گفتاری تعریف و تمجید در محیط‌های فرهنگی کلامی روسی و فارسی». *دو ماهنامه بین المللی جستارهای زبانی*. ۱۳(۶۷). صص ۴۲۴-۳۹۱.
<https://doi.org/10.52547/LRR.13.1.13>
۱۶. شهبواری، محمدحسن. (۱۳۹۷). *مرداد دیوانه*. چاپ سوم. تهران: هیلا.
۱۷. شیخ‌حسینی، زینب. جعفرزاده، مریم. (۱۴۰۲). «زبانهنگ ناسزا در رمان نوجوان بر اساس رویکرد هایمز (مطالعه موردی مجموعه آبنبات)». *زبان‌پژوهی*. ۱۵(۴۸). صص ۱۶۸-۱۴۳.
<https://doi.org/10.22051/jlr.2023.41436.2219>
۱۸. طالبی، انسیه. طالب‌زاده شوشتری، عباس. حیدریان شهری، احمدرضا. (۱۳۹۶). «بررسی خطبه‌های جنگ امام علی (ع) بر اساس نظریه کنش گفتاری». *زبان و ادبیات عربی*. ۹(۱۶). صص ۲۰۲-۱۶۱.
<https://doi.org/10.22067/jall.v8i16.54012>
۱۹. عامری، محمد علی. ضیغمی، علی (۱۴۰۴). «بررسی کنش گفتاری سرزنش در زبان‌های فارسی و عربی در متون داستانی براساس الگوی هایمز». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. ۱۵(۱). صص ۸۹-۷۱.
<https://doi.org/10.22059/jflr.2025.390186.1186>
۲۰. فاروق، نبیل. (۱۹۸۴). *سباق الموت*. القاهرة: المؤسسة العربية الحديثة.

۲۱. قادری، آزاده. یاری اصطهباناتی، علی اصغر. (۱۴۰۳). «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی براساس رویکرد یادگیری ویگوتسکی مطالعه موردی داستان‌های کودک «تغرید النجار». *زبان و ادبیات عربی*. ۲ (۳۷). صص ۵۲-۳۶.
<https://doi.org/10.22067/jallv16.i2.2406-1426>
۲۲. القحطانی، سعد بن محمد. (۲۰۱۸). «تطوّر التداوّل فی اللغة الثانية وکیفّیة تدریسها». من کتاب اتجاهات حديثة فی اللغویات التطبيقية. غسان بن حسن الشاطر. الرياض: دار وجوه للنشر والتوزيع. صص ۹۲-۶۵.
۲۳. کیلانی، کامل. (۲۰۱۲). *الأمیر الحادي والخمسون*. القاهرة: مؤسسة هنداوي للتعليم والثقافة.
۲۴. کیلانی، کامل. (۲۰۱۲). *الأميرة القاسية*. القاهرة: مؤسسة هنداوي للتعليم والثقافة.
۲۵. محفوظ، نجیب. (بی‌تا). *الصعود إلى القمر*. قطر: مجلة الدوحة.
۲۶. هاشمی، سید محمد رضا. حسینی فاطمی، آذر. دوائی، صبا. (۱۳۹۰). «مقایسه مرزبندی‌های فرهنگی - اجتماعی «تعریف و تمجید» در زبان انگلیسی و فارسی». *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*. ۴۴ (۱). صص ۳۸-۲۵.
27. Ali, A. J., Taqi, A. A., & Krishnan, K. (1997). "Individualism, collectivism, and decision styles of managers in Kuwait". *The Journal of social psychology*, 137(5), 629-637.
<https://doi.org/10.1080/00224549709595484>.
28. Al-Zubaidi, N. A. G. (2021). "Iraqi Online Compliments on Facebook and Instagram: A Cyber Pragmatics Analysis". *Al-Mustansiriya Journal of Arts*, 45(96), 1-32
29. Boyle, R. (2000). "You've worked with Elizabeth Taylor! Phatic functions and implicit". *Applied linguistics*. 21(1). 26-46.
30. Holmes, J. (1988). "Paying compliments: A sex-preferential politeness strategy". *Journal of pragmatics*. 12(4). 445-465.
31. Hymes, D. (1967). "Models of the interaction of language and social setting". *Journal of social issues*. 23(2). 8-28. <https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1967.tb00572.x>.
32. Jaworski, A., & Coupland, N. (Eds.). (2006). *The Discourse Reader* (Vol. 2). London: Routledge.
33. Nelson, G. L., El Bakary, W., & Al Batal, M. (1993). "Egyptian and American compliments: A cross-cultural study". *International Journal of Intercultural Relations*. 17(3). 293-313.
34. San Martin, A., Sinaceur, M., Madi, A., Tompson, S., Maddux, W. W., & Kitayama, S. (2018). "Self-assertive interdependence in Arab culture". *Nature Human Behaviour*, 2(11), 830-837.
<https://doi.org/10.1038/s41562-018-0435-z>.

References

- Aghagolzadeh, F. (2015). *Critical Discourse Analysis*. 3rd ed. Tehran: Shirkat-e Enteshārat-e 'Ilmī va Farhangī. [In Persian].
- Al-Hakim, T. (1942). *Pygmalion*. Egypt: Misr Library. [In Arabic].
- Al-Hakim, T. (1966). *predicament*. Egypt: Misr Library. [In Arabic].
- Al-Hakim, T. (1972). *Justice Council*. Egypt: Misr Library. [In Arabic].
- Al-Qahtani, S. M. (2018). "The Development of Pragmatics in the Second Language and How to Teach It", Al-Shater, G, H. *Contemporary Approaches to Applied Linguistics*. Riyadh: Dar WajooH for Publishing and Distribution. 65-92. [In Arabic].
- Ameri, M., Zeighami, A. (2025). "Investigation of the Speech Act of Blame in Persian and Arabic Languages Based on Hymes Model in Narrative Texts", *Journal of Foreign Language Research*, 15(1), 71-89. <https://doi.org/10.22059/jflr.2025.390186.1186> [In Persian].
- Baker, P., & Ellege, S. (2018). *Key Terms in Discourse Analysis*. Translated by Nasser bin Abdullah bin Ghali. Riyadh: King Saud University Press. [In Arabic].
- Farouk, N. (1984). *Death Race*. Cairo: Modern Arab Foundation. [In Arabic].
- Ghaderi, A, Yari Istahbanati, A. (2024). "Investigating the application of critical thinking skills based on Vygotsky's sociocultural learning approach A case study of children's stories by Taghrid alNajjar".

- Journal of Arabic Language & Literature*, 2(37), 36-52. <https://doi.org/10.22067/jallv16.i2.2406-1426> [In Persian].
- Hajj Seyyed Javadi, F. (1996). *Drunkard morning*. 7th ed, Tehran: Alborz. [In Persian].
- Hashemi, M, Hosseini Fatemi, A, & Davae, S. (2011). "Cross-Cultural Differences Between English AND Persian Compliments". *Journal OF Language AND Translation Studies*, 44(1), 25-38. [In Persian].
- Hosseinizad, M. (2016). *20 Deadly Wounds*. Tehran: Cheshme. [In Persian].
- Jafari, F. (2022). *Piano Cafe*. 4th ed, Tehran: Cheshme. [In Persian].
- Khalili, S. (2002). *Lost*. Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults. [In Persian].
- Kilani, K. (2012 A). *The Fifty-First Prince*. Cairo: Hindawi Foundation for Education and Culture. [In Arabic].
- Kilani, K. (2012 B). *The Cruel Princess*. Cairo: Hindawi Foundation for Education and Culture. [In Arabic].
- Mahfouz, N. (n.d.). *Ascent to the Moon*. Qatar: Doha Magazine. [In Arabic].
- Pishqhadam, R., & Attaran, A. (2013). "A sociological comparison of the speech act of swearing: A case study of Persian and English languages". *Journal of language and translation studies*, 46(4). 25-50. [In Persian].
- Radi, A. (2023). *Hot Egg Tango*. 6th ed, Tehran: ghatreh. [In Persian].
- Rezaei rad, M. (2021). *Sleep Report*. 3th ed, Tehran: Bidgol. [In Persian].
- Rezaei rad, M. (2023). *Verb*. 7th ed, Tehran: Bidgol. [In Persian].
- Shafaghi M, Mohammad Beygi M. (2022). "Speech Act of "Compliments" in Russian and Persian Verbal Environment". *Language Related Research*, 13 (1). 391-424. <https://doi.org/10.52547/LRR.13.1.13> [In Persian].
- Shahsavari, M. H. (2018). *Crazy August*. 3th ed, Tehran: Hila. [In Persian] .
- Shalan, Sanaa. (2019). *Selfie with the Sea and Other Plays*. Jordan: Amwaj Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Sheikhhosseini, Z, Jafarzadeh, M. (2023). "The Cultuling of Insult in the Teenage Novel Based on the Heims' approach (The case study of Abnabat Collection)". *Language research*, 15 (48), 143-168. <https://doi.org/10.22051/jlr.2023.41436.2219> [In Persian] .
- Talebi, E, Talebzade Shoshtari, A, Heidaryan Shahri, A. (2018). "Investigating Imam Ali's War Sermons Based on the Speech Act Theory". *Journal of Arabic Language & Literature*, 9(16), 161-202. <https://doi.org/10.22067/jall.v8i16.54012> [In Persian].